

شرق روزنامه

محمدبن سلمان؛ فعال ترین شاهزاده جهان عرب

محمدبن سلمان، جانشین ولیعهد عربستان و وزیر دفاع این کشور، کسی است که اقدام به کاهش بودجه دولتی، لغو قراردادهای دولت و کاهش حقوق کارمندان دولت در راستای تدابیر ریاضت‌آمیز اقتصادی به دلیل کاهش قیمت نفت کرده است، اما سال گذشته میلادی محمدبن سلمان در یک تعطیلات، قایقی تفریحی را دید که نتوانست در مقابل سوسوه خریدن این قایق چندصد میلیون دلاری مقاومت کند. به نوشته نیویورک تایمز، شاهزاده بن‌سلمان هنگام گذراندن تعطیلات در جنوب فرانسه، یک قایق تفریحی ۴۴۰ فوتی در ساحل این کشور دید و بعد از آن دستیار خود را برای خرید این قایق که «سن» نام داشت، فرستاد. صاحب این قایق یک تاجر مشروب روسی به نام یوری شفلر بود. این معامله در عرض چند ساعت انجام شد و به گفته یکی از نزدیکان به شفلر و منابع عربستانی نزدیک به خاندان سلطنتی عربستان، خرید این قایق برای محمد بن‌سلمان حدود ۵۵۰ میلیون دلار هزینه دربر داشت. این یک پارادوکس نزد محمد بن‌سلمان ۳۱ ساله است. او کسی است که تلاش می‌کند سنت‌ها را کنار گذاشته، اقتصاد را دوباره سازماندهی کرده و قدرتش را تحکیم و درعین‌حال همچنان امتیازهای سلطنتی خود را حفظ کند. او در عرض کمتر از دو سال تبدیل به یکی از فعال‌ترین شاهزاده‌های ثروتمندترین کشور جهان شد و رویه‌ای که او در پیش گرفت، یک رقابت بالقوه برای تاج و تخت در عربستان را در پی داشت. او به جایی رسیده که تقریباً در همه عناصر سیاست عربستان؛ از جنگ در یمن گرفته تا اقدامات داخلی برای مهار عادت‌های عربستان برای خرج‌کردن زیاد و شکستن اعتیاد آن به نفت دست دارد. او همچنین شروع به کاهش محدودیت‌های اجتماعی که دست‌وپای جوانان را بسته، کرده است.

ظهور شاهزاده محمدبن‌سلمان باعث درهم‌شکستن سنت چنددهه‌ای در خاندان سلطنتی؛ یعنی جایی که احترام به ارشدیت و اشتراک قدرت جزء سنت‌های قدیمی هستند، شده است. تاکنون هیچ جانشین ولیعهدی در خاندان سلطنتی عربستان این میزان از قدرت را در دست نداشته است.

تمرکز این قدرت در دستان محمدبن‌سلمان خشم بسیاری از خویشاوندان را در پی داشته است. درعین‌حال بلندپروازی‌های بی‌حدومرز او بسیاری از مقامات خارجی و عربستانی را به این تردید رسانده که هدف نهایی او تنها ایجاد تغییرات در سلطنت عربستان نیست بلکه هدف او کنارزدن محمد بن‌نافع، ولیعهد ۵۷ ساله فعلی عربستان و پسرعموش است تا خودش پادشاه بعدی شود.

چنین اتفاقی حتی ناراحتی هرچه‌بیشتر خویشاوندان او در خاندان سلطنتی را در پی خواهد داشت و اگر او موفق شود، اتفاقی که هرگز نیفتاده در عربستان خواهد افتاد؛ یعنی پادشاه جوانی به قدرت خواهد رسید که می‌تواند تا چند دهه قدرت را در دست داشته باشد.

بسیاری از جوانان عربستان، محمد بن‌سلمان را به‌عنوان نماینده پارانژی نسل آنها که با صراحت بی‌سابقه‌ای به برخی از مشکلات این کشور پرداخته، تحسین می‌کنند. رسانه‌های عربی عربستان از محمد بن‌سلمان تصویر یک رهبر سخت‌کوش و دوستدار تجارت را که به نسبت پیشینیان نگرانی کمتری نسبت به تشریفات خاندان سلطنتی دارند، نشان داده‌اند. عده دیگری نیز او را یک تازه‌کار تشنه قدرت می‌بینند که می‌خواهد چیزهای زیادی را خیلی سریع تغییر دهد و ریسک بی‌ثباتی را بپذیرد. یکی از مهم‌ترین و ملموس‌ترین ابتکارعمل‌هایی که تاکنون شاهزاده محمدبن‌سلمان به‌عنوان وزیر دفاع عربستان اجرا کرده، جنگ تحت رهبری عربستان در یمن است؛ جنگی که از زمان آغازش در سال گذشته میلادی تاکنون هنوز منجر به شکست شورشیان حوثی و هم‌پیمانانشان و خارج‌کردن آنان از پایتخت یمن نشده است. این جنگ میلیاردها دلار برای عربستان هزینه دربر داشته و منجر به انتقادات بین‌المللی از عربستان به دلیل کشتار غیرنظامیان شده است. به گفته صلح بین‌المللی و اعضای خاندان سلطنتی عربستان، اجرای این جنگ از سوی شاهزاده‌ای که تجربه نظامی نداشته، باعث تشدید تنش‌ها میان او و پسرعموهای مسن‌تر از خودش شده است. سه سرویس امنیتی اصلی عربستان تحت مدیریت شاهزاده‌های این کشور هستند، اگرچه همه مقامات عربستان قبول دارند که این کشور باید هنگامی که حوثی‌ها پایتخت یمن را تصرف کرده و دولت منصور هادی را وادار به تبعید کنند، با پاسخی رویه‌رو می‌شدند. اما محمدبن‌سلمان در این زمینه رهبری را در دست گرفت و در ماه مارس ۲۰۱۵ بدون هماهنگی کامل این حمله با سرویس‌های امنیتی، جنگ را آغاز کرد.

به گفته یک افسر ارشد گارد ملی عربستان، شاهزاده متعجب بن‌عبدالله، فرمانده گارد ملی در جریان این حمله قرار نگرفته بود و هنگام اجرای اولین حملات هوایی در یمن در خارج به‌سر می‌رد. گارد ملی عربستان اکنون کنترل بیشتر مرزهای یمن را در دست دارد. همچنین مقامات آمریکایی نیز در ارتباط با جنگ در یمن مورد بی‌اعتنایی قرار گرفتند و شاهزاده بن‌سلمان هنگامی که جنگ در یمن تشدید می‌شد، به تعطیلات در مجمع‌الجزایر مالدیو در نزدیکی هند رفت.

جنگ در یمن باعث تضعیف نقشه‌های محمدبن‌سلمان برای سیاست خارجی قدرتمند عربستان به‌عنوان کشوری که برای امنیتش کمتر به آمریکا متکی باشد، شده است. او از آب‌شدن یخ روابط آمریکا با ایران و اظهارنظر اوایما در یک مصاحبه که گفته بود عربستان باید در همسایگی با ایران شریک باشد، انتقاد کرده است.

تحلیلی‌گران می‌گویند: محمد بن‌سلمان تلاش می‌کند تا یک حس هویت ملی را که از زمان تشکیل عربستان سعودی در سال ۱۹۳۲ تاکنون وجود نداشته نشان دهد و تقویت کند. «اندرو بوون»، یک کارشناس عربستان در مرکز ویلسون واشنگتن، گفت: از زمان آغاز جنگ در یمن، ما شاهد جهش ملی‌گرایی در عربستان بودیم و شاهد این حس نزد عربستانی‌ها هستیم مبنی‌بر اینکه کشورشان دست به یک اقدام گروهی مستقل زده است. بااین‌حال بوون تصریح می‌کند: با طولانی‌ترشدن جنگ در یمن حمایت جوان‌ترها کاهش خواهد یافت. برخی افرادی که با شاهزاده بن‌سلمان ملاقات کرده‌اند گفته‌اند که عربستان باید در شکل‌دهی به اتفاقات در خاورمیانه و مواجهه با نفوذ ایران در منطقه جسورتر باشد. «برایان کاتولیس»، یک کارشناس خاورمیانه در مرکز پیشرفت آمریکا در واشنگتن که با محمدبن‌سلمان در ریاض ملاقات کرده، می‌گوید: دستور کار او کاملاً مشخص است و پیام اصلی او این است که عربستان باید به‌عنوان یک قدرت به رسمیت شناخته شود.

منبع: اسپنا

جنگ بدون صلح افغان‌ها

هنوز جوهر امضای «اشرف‌غنی»، رئیس‌جمهور افغانستان و حزب اسلامی «گلبدین حکمتیار» پای توافق‌نامه صلح خشک نشده‌که در ۱۰ ولایت افغانستان آتش جنگ شعله‌ور شده است. در مراسم امضای توافق‌نامه صلح، حکمتیار، رهبر حزب اسلامی طالبان را هم به صلح فراخواند. او گفت: «بیباید مذاکره کنید و اگر صلح جواب نداد، به کوه‌ها برگردید». دولت افغانستان هم از طالبان خواست که مانند حزب اسلامی به روند صلح افغانستان بپیوندند. شورای‌عالی گروه انشعابی طالبان به رهبری «ملا محمد رسول» از توافق‌نامه حزب اسلامی با دولت افغانستان حمایت کرد، اما مرکزیت طالبان به رهبری «ملا حبیب‌الله» توافق‌نامه صلح دولت افغانستان و حزب اسلامی را محکوم کرد. طالبان در بیانیه‌های اعلام کرد: «حکمتیار با پشت‌کردن به جهاد، مرتکب جرم بزرگی شده است».

«ظریف نظر»، تحلیلگر امور افغانستان و منطقه، به دویچه‌وله می‌گوید بخش بزرگی از شهروندان افغان در مناطقی که آتش جنگ در آنها شعله‌ور شده، مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند و در شهر قندوز حتی آب آشامیدنی نیست. به نظر این تحلیلگر، دولت‌های همسایه افغانستان هم باید از استقرار صلح در این کشور پشتیبانی کنند. او تأکید می‌کند روشنفکران افغان از آمریکا درخواست می‌کنند که به پاکستان فشار یابود تا به روند صلح بپیوند. به گفته او، آمریکا سالانه میلیاردها دلار به پاکستان کمک می‌کند و اگر این کمک‌ها قطع شود پاکستان با روند صلح در افغانستان موافقت خواهد کرد.

اما «محمد امین کریم»، رئیس هیأت مذاکره‌کننده حزب اسلامی با دولت افغانستان در کابل، ادعای متقندان و مخالفین صلح، را رد می‌کند. او در گفت‌وگو با «دویچه‌وله» تأکید کرد: «حدود ۱۰ سال است که حزب ما این پیشنهاد (صلح) را کرده است. روند صلح یک پدیده مربوط به خود افغان‌هاست و ما به دولت و گروه طالبان پیشنهاد کردیم که حزب ما در این راه مانجگیری کند. دولت افغانستان به این ابتکار حزب اسلامی پاسخ مثبت داده و از آن حمایت می‌کند. این میان گروه طالبان هم دومین گروه به رهبری رسول‌زاده از صلح در افغانستان حمایت کرده است. استقرار صلح در کشوری که دهه‌ها جنگ در آن جریان دارد به آسانی میسر نیست.

ما به این امر واقف هستیم». عضو‌ارشاد حزب اسلامی افغانستان در پاسخ به مخالفان و متقندان می‌گوید: «دو دیدگاه در این رابطه وجود دارد؛ یکی دیدگاه حزب اسلامی افغانستان است که می‌گوید حل مشکل صلح باید بین افغان‌ها در افغانستان انجام بگیرد و با موفقیت تمام شود. دیدگاه دوم را طالبان دنبال می‌کند که مشکل افغانستان را از طریق مذاکره‌ای با خارجیان حل کند. به نظر ما هر نوع مذاکره درباره سرنوشت افغانستان با خارجیان نهایتاً یک نوع معامله بر سر ملت افغانستان است. برای رسیدن به یک صلح پاینده ر و هله اول باید این مشکل بین خود افغان‌ها حل شود.

در مدار دوم، صحبت با خارجیان هم امری مقبول است. اما ما تجربه کردیم که مذاکره با میانجی و حضور خارجیان هم تا به حال موفقیتی نداشته است». رئیس هیأت مذاکره‌کننده حزب اسلامی افغانستان در امر صلح معتقد است که در ماه‌های آینده توفیق بیشتری به دست می‌آید. او همچنین در این رابطه تأکید کرد دومین گروه در میان طالبان به رهبری «مولوی رسول» آمادگی خود را به بیوسستن به جریان صلح اعلام کرده است.

منبع: دویچه وله



چه آینده‌ای برای موصل پس از آزادی رقم می‌خورد

سرنوشت مبهم یک شهر جنگ‌زده

یا به عقب انداخته شده یا به‌کلی یابگانی شده است.

موضوع پیچیده آزادسازی موصل یک پیوند بنیادین با منازعات فرقه‌ای این کشور و چانه‌زنی حول تغییر در مناسبات قدرت در بغداد دارد که تا به امروز نه‌تنها هیچ پیشرفتی نداشته است که هرازگاهی یک عامل مختل‌کننده جدید نیز بر مجموع این معضلات افزوده می‌شود. در طول چند ماه اخیر بحث حضور نظامی ارتش ترکیه در شمال عراق و منطقه «عشقیقه» که بدون اجازه دولت قانونی عراق انجام گرفته است، به تنش خطرناکی در روابط بین دو کشور و به‌تبع آن تضادهای فرقه‌ای بین سنی‌های عرب، ترکمن، کرد عراق و اکثریت شیعه حاکم بر بغداد از یک طرف و از طرف دیگر بین بغداد و اربیل منجر شده است.

به تبع این دسته‌بندی نژادی و مذهبی در داخل عراق، نیروهای بیرونی از جمله قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز اهداف متناقض خود را در عرصه بحران عراق دنبال می‌کنند. طبق حقوق بین‌الملل و رعایت اصل مصونیت قلمرو ارضی یک دولت مستقل در معاهدات بین‌المللی، حضور نظامی یک کشور ثالث در قلمرو حکومتی یک دولت مستقل یا باید از طریق اجازه رسمی همان دولت قانونی یا مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد انجام گیرد. خارج از این دو قاعده حقوقی تنها در صورتی قوای نظامی یک کشور می‌توانند وارد قلمرو ارضی کشور دیگر شوند که یا مورد تهاجم واقع شده باشند یا اینکه دلایل محکمی دال بر وجود تهدید عینی در خاک اشغالی موجود باشد که تازه در این صورت هم باید بعد از واردکردن ضربه بازدارنده قوای مهاجم به پشت مرزهای بین‌المللی عقب‌نشینی کنند. این ادعای دولت آنکارا دال بر دعوت رسمی اقلیم خودمختار از آنان برای حضور در عراق نیز به‌لحاظ حقوق بین‌الملل موضوعیت و مشروعیت حقوقی نمی‌گذارند که حتی با طرح بهانه دفاع از وضعیت دموکراسی در سیاست خارجی ندارند و باید تابع اراده دولت مرکزی بغداد باشند.

موضوع پیچیده آزادسازی موصل
 یک پیوند بنیادین با منازعات فرقه‌ای این کشور و چانه‌زنی حول تغییر در مناسبات قدرت در بغداد دارد که تا به امروز نه‌تنها هیچ پیشرفتی نداشته است که هرازگاهی یک عامل مختل‌کننده جدید نیز بر مجموع این معضلات افزوده می‌شود

درخواست رسمی دولت عراق برای خروج نیروهای نظامی ترکیه از پایگاه بعشیقه که حدود دو هزار نظامی و مستشار آموزش نظامی برآورد می‌شود، هم‌اکنون به سطح یک تنش بزرگ در روابط بین دو کشور تبدیل شده است. درخواست دولت بغداد در چارچوب معیارهای حقوق بین‌الملل و متکی بر اصل استقلال ارضی کشور انجام گرفته است، اما به نظر می‌رسد دولت ترکیه و شخص «رجب طیب اردوغان» در چارچوب اهداف مداخله‌گرانه و قلدری سیاسی نه‌فقط به حقوق بین‌المللی عراق احترام نمی‌گذارند که حتی با طرح بهانه دفاع از وضعیت دموکراسی منطقه موصل به صورت علنی سعی در دامن‌زدن به منازعات فرقه‌ای در این کشور را دارند.

زبان زورگویانه و غیردیپلماتیک اردوغان در جواب درخواست بغداد از چنان منطقی پیروی می‌کند که تخلف آشکار در حوزه حقوق بین‌المللی است. چنانچه در روز سه‌شنبه ۱۱ اکتبر اردوغان در جواب درخواست دولت

اردشیر زارعی **قنوتای**؛ بی‌ثباتی در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه در سوریه و عراق که به‌نوعی درگیر یک جنگ نیابتی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی هستند، فراتر از وضعیت نابسامان داخلی این کشور موجب یک «آتارشی» در روابط کشورهای همسایه شده است.

وضعیت بحرانی این منطقه به دلیل پیچیدگی روابط بین‌دولی و اهداف متفاوت و بعضاً متناقض قدرت‌های منطقه‌ای شرایطی را ایجاد کرده است که نه‌تنها به راه‌حل سیاسی «بحران» کمک نمی‌کند که خود نیز موتور محرکه تشدید تنش‌ها خواهد شد. عراق به‌عنوان کشوری که از سال ۲۰۰۳ میلادی مورد تهاجم همه‌جانبه آمریکا و متحدان منطقه‌ای – بین‌المللی آن قرار گرفت، از همان روز تا به امروز هرگز روی آرامش را به خود ندیده است. حمله به عراق «مادر» تمام تنش‌ها و بحران‌های بعدی بود که در چارچوب نظم‌بخشی به خاورمیانه نوین انجام گرفت و ظاهراً به دلیل همین تضاد منافع بازیگران، پایانی برای آن متصور نخواهد بود. هرچند که از همان سال ۲۰۰۳ عراق به‌شدت درگیر جنگ‌های فرقه‌ای و ظهور گروه‌های تروریستی بوده است، ولی امروز این نوع از تروریسم بنیادگرای اسلامی در قالب مدل‌های «القاعده» و گروه «داعش» از مرحله عملیات‌های تروریستی به مرحله جدید کسب «قلمرو سرزمینی» برای این‌چنین پدیده‌های بی‌ثبات‌کننده تبدیل شده است که به طور مشخص نقشه جغرافیای آن از «رقه» در سوریه تا «موصل» در عراق ترسیم می‌شود.

هجوم داعش به موصل با حرکت تقریبی یک کاروان نظامی شامل بیش از ۷۰۰ زره‌پوش و ماشین‌های سبک مجهز به تیربارهای سنگین به همراه یک پیاده‌نظام چندهزارنفره از عمق خاک سوریه شبانه به‌سوی موصل آغاز شد و صبحگاه دومین شهر مهم و پرجمعیت عراق را به تصرف خود درآورد. این موفقیت جنگی داعش بیش از آنچه حاصل نبوغ نظامی مهاجم تروریست بوده باشد، وابسته به حمایت‌های پیدا و پنهان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای از یک طرف و خیانت بخشی از فرماندهی ارتش عراق از طرف دیگر بود.

نکته مهم و قابل تعمق درخصوص تصرف بدون دردسر موصل از سوی گروه داعش در این است که این کاروان بزرگ جنگی در نزدیک به ۱۲ ساعتی که از رقه به‌سوی موصل در حرکت بود، با هیچ مقاومت زمینی و بازدارندگی هوایی‌ای مواجهه نشد. درحالی‌که از همان سال ۲۰۰۳ تمام حریم هوایی عراق به‌شدت زیر ذره‌بین رادارهای آمریکا و پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) بود و امکان نداشت که این تحرک بزرگ نظامی روی زمین از دید رادارهای فوق پنهان مانده باشد. اما به همان نسبت که رسیدن این کاروان نظامی بزرگ به موصل هنوز به‌عنوان یک معما در بین تحلیلگران متکی به گزارشات منابع غربی مورد بحث قرار می‌گیرد، حداقل درباره استقبال بخش اصلی جمعیت شهری موصل از ورود مهاجمان داعشی، جای شک و تردیدی باقی نمانده است.

موصل به‌عنوان بزرگ‌ترین شهر سنی‌نشین عراق و موطن بخش اصلی نظام فرماندهی و بدنه ارتش یعنی عراق که تحت سیاست بعث‌زدایی «پل برمر»، اولین حاکم آمریکایی منصوب برای عراق، از کار اخراج شده بودند و در دوران نخست‌وزیری «نوری المالکی» از تمامی حقوق اولیه خود محروم شدند، چندان غیرمنتظره نبود که از دشمنان دولت حاکم بر بغداد استقبال کند. هم‌اکنون حدود یک سال است که ائتلاف به رهبری آمریکا، دولت عراق و بخش اقلیم خودمختار کردستان در شمال این کشور از آزادسازی موصل حرف می‌زنند و بارها برنامه تصرف این شهر به دلایل کاملاً سیاسی

دموکراسی؛ بازنده اصلی «شو» هیلاری و ترامپ

در حلب یا کمک به هزاران آواره که برای رسیدن به زندگی بهتر خود را از مدیترانه به اروپا رسانده‌اند، مطرح می‌شود. آنها «خسروث و قدرت» می‌خواهند. آنها می‌خواهند به طور زنده ببینند چه‌موقع دونالد ترامپ اظهارات مبتذل خود درباره زنان را در ویدئو اخیر توجیه می‌کند. آنها می‌خواهند ببینند ترامپ چه استراتژی‌ای را به کار می‌گیرد تا بتواند از روابط نامشروع بیل کلینتون برای آسیب‌رساندن به هیلاری کلینتون، رقیب دموکراتش، استفاده کند. به‌دنبال انتشار این ویدئو، ترامپ خود را در بحرانی یافت که نمی‌تواند با بحث‌های سیاسی بر آن غلبه کند بلکه تنها راه نجاتش یک نمایش خوب است. مردم می‌خواهند ببینند چه کسی ابتدا کنترل خود را از دست می‌دهد. آنها به‌دنبال یک برنامه هیجان‌انگیز، خشن، ناهنجار و مقابله‌ای تلویزیونی هستند. این چیزی است که مبارزات انتخاباتی آمریکا برای مهم‌ترین پست سیاسی این کشور رقم زده است:دموکراسی حرف‌های زیادی درباره وضعیت اجتماعی آمریکا می‌زند. دموکراسی همچنین جلودار

^[1] در حلب یا کمک به هزاران آواره که برای رسیدن به زندگی بهتر خود را از مدیترانه به اروپا رسانده‌اند، مطرح می‌شود